

آینه

ایران

سرمقاله: «زمان داوری درباره کارنامه هسته‌ای روحانی:»محمدنوری

از منظر دانش‌آموختگان سیاست، ملموس‌ترین نتیجه‌کار دیپلمات‌های در دولت اعتدال این بود که هم تلقی ایرانی‌ها از مقوله مذاکره و میدان دیپلماسی را تغییر دادند هم زاویه نگاه دولت‌های دیگر به توانایی دیپلماسی ایران را عوض کردند. به نظر می‌آید نیم دیپلمات‌های دولت اعتدال، صرف‌نظر از اینکه نشست وین به چه نتیجه‌ی منجر خواهد شد در پایان ۱۶ماه مذاکره توانسته‌اند بسیاری از مطالبات شهروندان ایرانی را در صحنه بین‌المللی جامعه عمل پهباشند مطالباتی نظیر: شکستن حصار انزوا، خارج‌کردن اقتصاد کشور از گردآب تحریم‌های پیاپی جهانی و نهایتاً اثبات منطق و مرام مسلح طایفه ایرانیان.

اطلاعات

یادداشت: «بچه‌ها متشکریم!؛ ابوالقاسم قاسمزاده

چه تحریم‌ها برداشته شود چه نشود، به‌قول دکتر روحانی رئیس‌جمهور، سیاست تحریم‌ها «ترک» برداشته است، به‌خصوص که شرکت‌های بزرگ در اروپا و آمریکا از هم‌اکنون مسیری جدا از اولتیماتوم تحریم‌ها را دنبال می‌کنند... آمریکا اما پاورچین، پاورچین گام برمی‌دارد. دولت ابوما، توافق با ایران را یسروری برای خود در پایان دوره ریاست‌جمهوری ارزبایی می‌کند. علاوه‌بر آن، نگاهی به خاورمیانه بحران‌زده دارد و می‌داند که بدون روابط آمریکا با ایران، امکان حل آن غیرممکن است. نتیجه یک‌سال مذاکره درباره پرونده هسته‌ای ایران، نشان می‌دهد این پرونده از مرکزیت اختلاف‌ها عبور کرده و سیاست گذشته غرب علیه ایران منسوخ شده است و همه به‌دنبال تنظیم روش و دورنمای جدید از روابط با جمهوری اسلامی ایران هستند.

کیتان

سرمقاله: «برای هیچ بیهوده مبیح:» حسین شریعتمداری

اگرچه پیش از این نیز با ارایه اسناد و شواهد غیرقابل خدشه، به این نکته پرداخته‌ایم ولی امروزه با قاطعیت بیشتر و بدون کمترین تردید- تأکید می‌شود بدون کمترین تردید- می‌توان گفت که چالش هسته‌ای کشورمان با ۵+۱ هرگز به نتیجه نمی‌رسد و دستیابی به توافقی که پایان‌بخش این چالش ۱۲ساله باشد، نه فقط‌طور از انتظار، بلکه به یقین ناممکن است... مذاکرات هسته‌ای وادامه آن را اگر به‌منظور پایان‌دادن به چالش و رسیدن به توافق مطلوب باشد، آب در هاون کوبیدن و بازی در میدان فریب حریف است ولی این مذاکرات، تنها به دودلت و فقط این دودلت می‌تواند نتیجه‌پذیر باشد. اول، اثبات غیرقابل اعتماد بودن آمریکا و متحدانش که این مقصود در مقیاس گسترده‌ای به دست آمده است و دوم؛ نشان‌دادن «دست پر» و برتری اسناد فنی و حقوقی ایران اسلامی که از صلح‌آمیزبودن برنامه هسته‌ای کشورمان حکایت می‌کند. این منظور متأسفانه به علت خودداری تیم مذاکره‌کننده ایران از انتشار متن مذاکرات هنوز به نیمه‌راه نیز نرسیده است و مسوولان محترم در این زمینه، عرصه را به حریف واگذار کرده‌اند و توضیح درباره متن مذاکرات را به شیپور فریب رسانه‌های آمریکایی و صهیونیستی سپرده‌اند... وقتی تیم محترم هسته‌ای بیشترین نشست‌های خود را با وزیر خارجه آمریکا برگزار می‌کند، به‌طور طبیعی این توهم را نشر می‌دهد که از میان شش کشور ۵+۱ فقط آمریکاست که تصمیم‌ساز و سیاست‌ش‌کنشور است؛ و این ترجمان دیگری از پذیرش کدخدایی آمریکاست! حضور خاتم اشتون تنها در حد و اندازه زینت‌المجالس! قابل ارزیابی است!

سارات

سرمقاله: «زیاده‌خواهی غرب!؛» محمدکاظم انبارلویی

ارزیابی عملکرد ۵+۱ و به ویژه میز آمریکا در گفت‌وگوهای هسته‌ای این است که آنها به مذاکرات به‌مثابه یک بازی «برد- برد» نگاه نمی‌کنند... آنها به چیزی جز نابودی ملت ایران رضایت نمی‌دهند. اگر این‌کار در فریب و نیرنگ آنها در موضوع هسته‌ای رخ ندهد، از باب «حقوق بشر» وارد می‌شوند. این باب هم جواب نداد از باب مبارزه دروغین با «توروسیم» وارد می‌شوند. اگر این هم جواب نداد، گزینه «نظامی» روی میز و زیر میز خود را به رخ ما می‌کشند... دست آمریکا در منطقه زیر ساطور ملت ایران است... آن را در عراق، سوریه، افغانستان و سرزمین‌های اشغالی قطع می‌کنیم... سیر تحولات و رویدادهای سیاسی و نظامی در منطقه طی ۲۰سال گذشته نشان می‌دهد که این عملی است. آنها پیام‌های ما را در جنگ ۳۳روزه، ۲۲روزه و ۵۱روزه اگر نگرفته باشند در رویدادهای مهمی که در پیش داریم، حتما خواهند گرفت.

وقت امروز

سرمقاله: «امیرکبیر ومذاکرات ۳+۱:»علی آهنگر

هرگونه ابهام در جملات و مفاد قرارداد می‌تواند موجب سوءاستفاده‌های بعدی قرار گیرد؛ سوءاستفاده‌هایی که گاه ممکن است به برپایی یک جنگ منجر شود... نکته آخر اینکه؛ آنچه در یک مذاکره مهم در سطحی بین‌المللی به دست می‌آید، می‌تواند گریبانگیر نسل‌های آینده حتی در قرن‌های بعد شود، پس در تنظیم مفاد قرارداد باید پیامدهای درازمدت را بر منافع زودگذر ترجیح داد.

شرق: حجت‌الاسلام محمد باقری‌بنایی، نماینده سنباب در مجلس، روز گذشته در نطق میان‌دستور خود در صحن علنی مطالبی درباره حوادث سال ۸۸ و مواضع نمایندگان تهران بیان کرد که در ادامه با اعتراض مهرداد بذریاش همراه شد. باقری‌بنایی در نطق خود گفت: «این‌روزها هر نشست و جلسه‌ای برگزار می‌شود، بحث فتنه سال ۸۸ است و از آنجا که در منطق دعدای، اصل بر اتهام است، نه بر برائت، بنده نیز با صراحت فتنه ننگین سال ۱۳۸۸ را برای چن‌دمین‌بار محکوم می‌کنم، تا به‌این‌وسیله به هزار کار نکرده، متهم نشوم.» او افزود: «من معتقدم که حداقل یک‌نسل از کشورمان به‌صورت مستقیم تحت‌تاثیر فتنه سال ۸۸ خواهد بود، از این‌رو لازم است تا دستگاه‌های نظارتی به صورت شفاف شاخصه‌هایی که افراد در فتنه سال ۸۸ نقش داشته‌اند را مشخص کنند تا برخی از جریانات سیاسی برای حذف رقبای خود از فتنه سال ۸۸ سوءاستفاده نکنند.» نماینده یناب خاطرنشان کرد: «فتنه در دست دعدای وسیله‌ای برای

گفت‌وگوبا «رسول منتجب‌نیا» درباره خودانتقادی‌های رئیس‌جمهور اصلاح‌طلب

نقدهای خاتمی‌تازگی ندارد

۴ به اعتقاد شما چرا بعد از گذشت ۹سال آقای خاتمی باید در فضای عمومی از اشتباهات سال ۸۴ سخن بگوید؟
تفسیر من از این نوع رویکرد و صحبت‌کردن مثبت و قابل‌دفاع است. انسان هرازچندی باید هم خودش و هم جریانی که در آن قرار گرفته را ارزیابی و آسیب‌شناسی کند و بعد اگر اشتباهاتی داشته با صراحت و شهامت اقرار کند. این افتخار نیست که انسان خودش را مطلق و احتمال اشتباه را منتفی بداند یا اگر اشتباهاتی رخ داده است پافشاری کند و جرات اقرار به اشتباه را نداشته باشد. این گام مثبتی است که آقای خاتمی انجام داده است. ای‌کاش بقیه جناح‌ها و شخصیت‌ها و گروه‌ها هم چنین روشی داشتند و هرازچندی نفس و عملکرد کاری خود را ارزیابی می‌کردند. منتها این را باید پذیرفت که بخش زیادی از اشتباهات گذشته ما به مسوولان و بزرگان ما در جبهه اصلاحات بازمی‌گردد که با حضور فعال نداشتند یا اینکه قضیه را خوب مدیریت نکردند یا کار را به افرادی سپردند که احیاناً اشتباهاتی می‌کردند و این اشتباهات پای همه حساب می‌شد از این به‌بعد باید این اشتباهات تکرار نشود.

۴ پس به اعتقاد شما مخاطب سخنان آقای خاتمی راس جریان اصلاحات بود؟
این صورت این را که در جلسات خصوصی هم می‌توانستند بگویند. چه نیازی به عمومی‌کردن آن بود؟

اشتباهات بزرگان، بدنه را به اشتباه می‌اندازد و گاهی دچار تردید و اختلاف می‌کند. من نمی‌خواهم الان وارد جزئیات قضیه شوم ولی به‌صورت‌کلی می‌گویم بزرگان ما در اصلاحات در دوره‌های گذشته نقش را به افرادی سپردند که شایستگی‌های لازم را نداشتند یا افراد تند و افراطی‌ای بودند و اشتباهات زیادی مرتکب شدند که این اشتباهات را به حساب همه گذاشتند. از این پس بزرگان ما، چه در جریان اصلاحات، چه اصولگرایی باید مواظب باشند بزرگان نمی‌توانند پوشان را در حرکت‌هایی که در جریانشان رخ می‌دهد میرا بداندن. جریان اصولگرایی هم امروز نمی‌تواند بزگارش را از اشتباهات بدنه و حرکت‌هایی که در دولت گذشته یا الان در مجلس یا خارج مجلس اتفاق می‌افتد میرا کند. باید مدیریت کنند و اگر اشتباهی رخ می‌دهد و نمی‌توان آن را کنترل کنند حداقل تبری بچونید نه اینکه سکوت کنند. ما در گذشته اصلاحات هم این مساله را داشتیم.

۴ وقتی شما می‌گویید روی سخن آقای خاتمی با بزرگان اصلاحات است، قطعاً خود ایشان هم در همین دایره می‌گنجند. آیا ایشان به‌نوعی درحال اعتراف به نقش خود در اشتباهات گذشته در برابر بدنه اصلاحات است؟

یکی از بزرگان ما ایشان هستند. بزرگان دیگر ما هم اشتباه کردند. اختلافات بین آنها به بدنه کشیده شد و تندروی‌ها موجب شد که به کلیت اصلاحات ضربه وارد شود و حساسیتی که نباید، ایجاد شد. ما سال ۸۴ اشتباهاتی داشتیم. قبل از آن، درون اصلاحات هم اشتباهاتی داشتیم، درخصوص کاندیداها یا تعدد آنها و شعارها.

۴ ولی چرا آقای خاتمی الان این تقدرا با مطرح می‌کنند، چه اتفاق جدیدی افتاده است؟

طرح این انتقادات در جلسات خصوصی تازگی

سیاست

نطق جنجالی بنایی درمجلس:

فتنه ابزار کاسبی عده ای شده است

کاسبی شده و هر جا که می‌خواهند کسی را حذف کنند به فتنه سال ۸۸ متمسک می‌شوند، ما همان‌گونه که فتنه سال ۸۸ را محکوم می‌کنیم، فقر و فساد و پرونده‌های فسادی را که در قوه‌قضاییه خاک می‌خورند و کسی پاسخگوی آن نیست و آمار بالای طلاق و بیکاری را نیز محکوم می‌کنیم.» باقری با اشاره به حضور پرشور مردم در تشییع‌جنازه مرتضی پاشایی گفت: «در اینجا لازم می‌دانم به نکته مهمی که به دلایلی هیچ‌کس علاقه‌ای ندارد به آن بپردازد اشاره کنم و به حواشی مرگ هنرمند جوانی بپردازم که عمر فعالیت حرفه‌ای او به تعداد انگشتان یک دست هم نمی‌رسد ولی به محض اعلام خبر فوتش چنان غوغایی به‌پا می‌شود که در توصیف مراسم تشییع، زبان‌ها و دوربین‌های رسانه ملی هم ناتوانند. از همکاران خود به‌ویژه نمایندگان محترم شهر تهران سوال می‌کنم سرتان سلامت، بلا به‌دور، اما اگر خدای‌نکرده چنین اتفاقی برای شما رخ دهد می‌توانید بگویید چنددرصد از حاضران در مراسم تشییع این خواننده پاپ



«هر جریانی ممکن است اشتباهاتی داشته باشد و ما منکر اشتباهات خود نیستیم، یکی از بارزترین اشتباهات ما از همان انتخابات ۸۴ بود، نقد، مساله بسیار مهمی است اما باید در فضایی صورت گیرد که نقدکردن ارزش باشد، هزینه نداشته باشد و همه‌چیز و همه‌جا را بشود نقد کرد. نقد در جامعه ما امروز به مع‌جزای بدل شده است، ما بعد از سال۸۸ زبان‌های بسیاری را متحمل شدیم. این زبان‌ها حاصل این است که ما فقط به گذشته نگاه کنیم. ما اهل تعامل هستیم اما تعامل با حفظ هویت ...»
اینها سخنان اخیر سیدمحمد خاتمی در دیدارهای ماه اخیرش است. چرا خاتمی بعد از ۹سال باید از اشتباه سال ۸۴ سخن بگوید؟ از اینکه اصلاح‌طلبان اهل تعاملند؟ مگر انتخابات ۹۲ نشان نداد که درس گرفته‌اند؟ مگر تاکنون اهل تعامل نبوده‌اند؟ مخاطب این گفته‌های خاتمی کیست؟ با «رسول منتجب‌نیا»، قائم‌مقام حزب اعتمادملی و عضو شورای مشورتی اصلاح‌طلبان گفت‌وگو کرده‌ایم. «رمزگشایی از سخنان خاتمی»

ندارد. من سال گذشته از ایشان شنیدم که به من گفت ما اشتباه کردیم و باید سعی کنیم آن را تکرار نکنیم. اما اینکه الان به‌صورت عمومی آن را مطرح می‌کنند؛ واقعیتش این است که می‌خواهند به بدنه اصلاحات پیام بدهند. اشکالی ندارد که در عین حال شاید بخواهند به مسوولان و دیگران هم بخواهند پیام بدهند که ما قبول داریم، اشتباهاتی واقع شده است و مصمم هستیم که آنها را رفع کنیم و تعامل مثبت داشته باشیم.

۴ آیا شما این گفته‌ها را تلاش ایشان برای خروج از بن‌بستی که جریان اصلاحات بعد از سال ۸۸ در آن قرار گرفته، ارزیابی نمی‌کنید؟
همه باید تلاش کنیم این اتفاق بیفتد. چون رقبای تلاش می‌کنند اصلاح‌طلبان را ساختارشکن و از نظام خارج‌شده توصیف کنند. از این افترا و تهمت‌ها به شخصیت‌ها و افراد زیاد می‌زنند و همه جا ما را متهم کرده و می‌کنند. هدفشان این است که اصلاح‌طلبان را از صحنه خارج کنند. در این شرایط این خود ما هستیم که باید از هویت خودمان دفاع کنیم. ما باید با مردم بیش از گذشته حرف بزنیم و تفهیم کنیم که ما وقتی می‌گوییم اصلاحات نظام را قبول داریم؛ یعنی دلسوزتر هستیم. اگر نبودیم که شعار اصلاح نمی‌دادیم. اصلاً معنای اصلاحات این است که ساختاری را قبول داریم ولی می‌خواهیم اشکالات آن برطرف شود. این یک دلالت التزامی است مبنی

بر اینکه ما نظام را کاملاً قبول داریم. برخلاف آنهایی که می‌گویند ما جمهوری‌اسلامی را قبول نداریم، حکومت‌اسلامی را قبول داریم یا باید انقلاب بکنیم. ما می‌گوییم انقلاب شده است. آرمان‌ها وجود دارد. **۴ انتخابات سال ۹۲ هم به راس و هم به بدنه اصلاحات نشان داد که اصلاح‌طلبان از روند سال ۸۴ درس گرفته‌اند.**
این بارها هم گفته شده است. اما وقتی آقای خاتمی آن را در فضای عمومی مطرح می‌کند به‌نظر می‌رسد صحبت‌های ایشان از طرح اشتباهات سال ۸۴ و اینکه مخاطب ایشان صرفاً اصلاح‌طلب‌ها باشد، فراتر می‌رود چون مثلاً ایشان در ادامه می‌گویند که ما درون نظام و اهل تعامل هستیم، به‌نظر می‌رسد که مخاطب می‌کنند اصلاح‌طلبان را ساختارشکن و از نظام خارج‌شده توصیف کنند. از این افترا و تهمت‌ها به شخصیت‌ها و افراد زیاد می‌زنند و همه جا ما را متهم کرده و می‌کنند. هدفشان این است که اصلاح‌طلبان را از صحنه خارج کنند. در این شرایط این خود ما هستیم که باید از هویت خودمان دفاع کنیم. ما باید با مردم بیش از گذشته حرف بزنیم و تفهیم کنیم که ما وقتی می‌گوییم اصلاحات نظام را قبول داریم؛ یعنی دلسوزتر هستیم. اگر نبودیم که شعار اصلاح نمی‌دادیم. اصلاً معنای اصلاحات این است که ساختاری را قبول داریم ولی می‌خواهیم اشکالات آن برطرف شود. این یک دلالت التزامی است مبنی

بر اینکه ما نظام را کاملاً قبول داریم. برخلاف آنها

در مراسمتان شرکت می‌کردند. مگر نه این است که خیل عظیم جوانان حاضر در این مراسم موکلانتان هستند و شما به‌واسطه رای آنها به مجلس آمدید؟ آری کمی تأمل کنیم تا بفهمیم کجای کار دچار اشکال است.» او همچنین درباره ادامه فعالیت شرکت هواپیمایی بابک زنجانی هم گفت: «از دادستان محترم کشور به‌جد می‌خواهم که از اموال بابک زنجانی که بیت‌المال مسلمانان است به‌خوبی محافظت کند که بعضی افرادی که به‌عنوان متولی این مجموعه‌ها گذاشته شده‌اند حراج اموال کرده‌اند که نمونه بارز آن پروازهای غیرکارشناسی هواپیمایی قشم‌پار است به فرودگاه‌هایی که توجیه اقتصادی ندارند.» مهرداد بذریاش، نماینده تهران نیز در تذکری با اشاره به نطق حجت‌الاسلام باقری‌بنایی، گفت: «نمایندگان تهران خود را از سایر نمایندگان مجلس نسبت به مردم خادم‌تر می‌دانند و هیچ‌گاه افتخار نکردند که در تشییع‌جنازه‌شان تعداد زیادی شرکت کند یا کم، ما برای مردم زحمت می‌کشیم.»

گفت‌وگوبا «رسول منتجب‌نیا» درباره خودانتقادی‌های رئیس‌جمهور اصلاح‌طلب

نقدهای خاتمی‌تازگی ندارد

مهسا جزینی

ملی، نظام و کشور استوار بمانیم.

۴ آقای خاتمی کر چه بر تعامل تأکید دارد اما در عین حال می‌گوید ما اهل تعامل هستیم اما تعامل با حفظ هویت. اگر کسی از شما بخواهد که بر اساس اعتقادات و رویکردهای خود چیزی بگویند هویت خود را از دست داده‌اید.

تعامل معنایش این است که افراد با هویت‌های مختلف و سلاطق گوناگون تصمیم داشته باشند همکاری و هماهنگی کنند. هرکسی نسبت به مواضع خودش دیدگاه‌های اصولی خودش را بپذیرد اما در سلاطیق جزئی کوتاه بیاید. هیچ‌گروهی روی همه دیدگاه‌هایش پافشاری نداشته باشد. اگر این‌طورشود راه تعامل بسته شود پس تعامل این نیست که همه دست از دیدگاه‌های خود بردارند و یک اندیشه داشته باشند. وحدت در عین کثرت، معنی می‌دهد. این وحدت با حیات اجتماعی، زندگی اجتماعی و پویایی جامعه نمی‌سازد. وحدت یعنی همه افراد سلاطیق خود را داشته باشند. آزاداندیشی وجود داشته باشد. احزاب و گروه‌ها هم همین‌طور در مسایل مشترک در منافع ملی و در برابر دشمنان متحد باشند. تعامل به این معنی است که دوجریان باهم رقابت و سلاطیق خود را مطرح کنند بدون اینکه دیگری را حذف یا تخریب کنند. جنبه‌های مثبت را مطرح کنند. ما به‌لحاظ فرهنگی در این زمینه مشکل داریم. وقتی بحث رقابت و فعالیت سیاسی پیش می‌آید فکر می‌کنیم باید دعوا، دشمنی و کینه‌توزی مطرح شود یا هرکدام درصد حذف دیگری باشیم. این دلیل بر ضعف ما و پایین‌بودن آستانه تحمل ماست.

۴ آقای خاتمی در بخشی از صحبت‌های خود می‌گوید که ما بعد از سال۸۸ زبان‌های زیادی متحمل شدیم. این زبان‌ها حاصل این است که ما فقط به گذشته نگاه کنیم، درگذشته بمانیم و حرکت نکنیم. آیا تأکید ایشان بر نگاه‌کردن به گذشته به‌نوعی یک راهکار برای خروج از وضع فعلی برای بازگشت دوباره اصلاح‌طلبان به قدرت نیست؟

در سال ۸۸ هر دوطرف زیان دیدند. این زیان به‌نفع دشمنان ملت و نظام بود و همه باید از این قضیه عبرت بگیرند و تلاش کنند که این قضیه را جبران کنند. فقط اصلاح‌طلب‌ها نبودند که زیان دیدند. جریان اصولگرا هم زیان دید. ما همه باید از آن عبور و بعد هم جبران کنیم. نباید این را بهانه‌ای کنیم برای خارج‌کردن رقیب از صحنه.

۴ به‌نظر شما خطاب ایشان از ناماندن درگذشته، اصلاح‌طلبان هستند یا اصولگرایان؟
طبیعی است که منظور این است که اشتباهات رخ‌داده باید در زمان خودش بررسی شود؛ اینکه مقصر اصلی چه کسی بوده و چه‌کسی آغازکننده آن ماجراها بود؟ بررسی این علل یک فضای مساعدی را طلب می‌کند که امروز فراهم نیست. اگر لازم شود باید در جلسات متعددی با تأمین‌ها و تضمین‌های لازم اقدام بشینند، بررسی کنند و ریشه‌یابی شود. در این صورت ظرف برای گفتن زیاد است. اما الان شرایط نه مناسب است و نه صلاح است که ما در گذشته بمانیم و گذشته را بهانه‌ای قرار دهیم برای تسویه‌حساب رقبای خودمان. از این منظر به اعتقاد من مخاطب ایشان اصولگرایان هستند.

ادامه از صفحه ۵

فرشاد مومنی در گفت‌وگوبا «شرق»:

«سازمان مدیریت» همواره قربانی جهش نفتی بوده است

تجربه‌هایی وجود دارد در دنیا که ما می‌توانیم آن را ببینیم، در خود ایران شما فرازونشیب‌های بسیار بزرگی در عملکرد اقتصاد می‌بینید. رویه و منش علمی به ما می‌گوید که نه آن فرازها بی‌حکمت و دلیل بوده و نه آن فرودها. پس هر یک از آنها را از هر یک از زوایایی که شما مطرح کردید باید زیر دهرین قرار دهیم و به سمت بهبود حرکت کنیم. ولی من برداشتم این است که در شرایط کنونی ایران برای معناداراشدن علم، قانون و برنامه که راه نجات کشور هستند هیچ چیزی حیاتی‌تر از طراحی یک برنامه ملی مبارزه با فساد نیست. اینکه تأکید داشتم بر تمهیدات مقدماتی که لازمه احیاست باید بررسی و مطالعه داشته باشیم به این دلیل است که بتوانیم با فساد مقابله کنیم. شما اگر بحث‌های

من را از زمان روی‌کارآمدن دولت جدید پیگیری کرده باشید خواهید دید که الانقطع به مسوولان سازوکارهای اجرایی- عملیاتی مشخص پیشنهاد کرده‌ام و گفته‌ام در ایران کانون‌های حیاتی و سرنوشت‌سازی برای توزیع رانت وجود دارد که می‌توان با بسیج ظرفیت‌های کارشناسی کشور برای آن راه‌حل‌هایی اندیشید. در بررسی‌هایی که انجام داده‌ام پنج‌کانون را شناسایی کرده‌ام که اگر برای آنها تمهیداتی اندیشیده شود در یک دوره زمانی کمتر از ۱۰سال بیش از ۶۵درصد از این فساد سیستمی که در ایران علیه توسعه فعال است، قابل‌مهار خواهد بود. در هر یک از این زوایایی که اشاره کردید می‌توان نشست‌های تخصصی برگزار کرد و از دل آن نشست‌ها کمک کرد که دولت در مسیر باسته و اصولی قرار گیرد.

۴ فکر می‌کنید احیای اصولی سازمان مدیریت چقدر زمان نیاز دارد؟

واقعیت این است که اگر من به‌جای دولت باشم از جامعه مدنی و نهادهای تخصصی مدنی بیشتر کمک می‌گیرم. با کمال تأسف دولت در این زمینه بیشتر رویه‌های صوری و تبلیغاتی را ترجیح داده به‌جای ایجاد یک ارتباط ارگانیک با دانشگاه، دولت با حضور نزدیک بیش از صداقتصاددان جلسه‌ای سه‌ساعته برگزار می‌کند. هرکس که به چنین پدیده‌ای نگاه می‌کند می‌فهمد که غرض تقویت روحیه مردم و پاشیدن بذر امید است وگرنه از دل چنین جلساتی با آن تعداد کارشناس و این زمان محدود راهکاری که بتواند گره‌گشایی کند بیرون نخواهد آمد. از جهت دیگر هیچ چیزی در شرایط حاضر حیاتی‌تر از طراحی یک بودجه کارآمد برای سال۹۴ نیست. باید بررسی کرد که نظریه‌های سطح‌بالای توسعه در مقام پاسخ به این پرسش که چرا در حالی که سایر کشورهای اروپایی در نیمه دوم قرن هجدهم از هر نظر هم‌تراز با انگلستان بودند، انقلاب صنعتی اول برای انگلستان اتفاق افتاد؛ چه واکنشی دارد. پاسخ‌ی که اکنون داده می‌شود و به عقیده من به‌لحاظ اسلوب نظری بسیار قابل‌دفاع است این است که می‌گویند انگلستان در اروپا نخستین کشوری بود که رفتارهای مالی دولت را هنجار کرد. در آنجا در سطح نظری بحث می‌شود که بین ناخن‌جاری در الگوهای کسب درآمد و الگوهای هزینه‌کرد درآمد توسط دولت، با وضعیت حقوق مالکیت رابطه وجود دارد. دولت چون به تعبیر «ویر» امتیاز انحصاری اعمال خضونت بر اساس قانون را دارد، معمولاً وقتی با کسری مواجه می‌شود به‌صورت مردم چنگ‌اندازی می‌کند. بعضی اقسام این چنگ‌اندازی آشکار و عریان است و همه می‌توانند متوجه آن شوند و بعضی دیگر از آن آشکار نیست و متخصص‌ها می‌توانند آن را ببینند. در هر حال اصل اینکه دولتی که رفتارهای مالی ناخن‌جار دارد تعرض‌کننده حقوق مالکیت است به‌جای اینکه مدافع حقوق مالکیت باشد به‌عنوان یک اصل موضوعه پذیرفته شده است. بنابراین از آنجا که سهل‌انگاری دولت محترم در ماجرای لایحه بودجه۹۴ به‌درستی حمل بر این شد که دولت از زمان استقرار تا زمان تقدیم لایحه بودجه زمان کافی نداشته اما این عذر برای لایحه۹۴ به‌هیچ‌وجه پذیرفته نیست، بنابراین باید امیدوار بود که دولت اراده و تمایل خود را به اصلاح رویه‌های گذشته و انداختن چرخ‌های اقتصاد روی ریل توسعه دست‌کم در سطوح حداقلی در لایحه۹۴ به نمایش بگذارد.

۴ چقدر از احیای سازمان مدیریت را نمایشی می‌دانید؟

تا این لحظه تمام آن را. تاکنون فقط گفتند «باید بشود» اما اینکه چه بشود و چگونه بشود به آینده اجازه داده شده است و از فرم صحبتی که مقامات گرامی مسئول داشتند برمی‌آید که هیچ آمادگی نرم‌افزاری برای این دوره زمانی برای احیای سازمان مدیریت تمهید نشده است.

۴ پس چه شد که تصمیم گرفتند احیا کنند؟

معاون اول محترم گفتند به اعتبار فشارهایی که به‌عنوان یک مطالبه جدی، حوزه عمومی وارد کرده است. چیزی فراتر از آن زمان نگذراند. آنچه از بیان مسوولان برداشت می‌شود آن است که گویی دولت ضرورتی در این‌باره احساس نکرده و برای اینکه عزیزانی که ابرار نگرانی کرده‌اند به آرامش برسند خواستند این لطف را داشته باشند تا روحيات تقویت شود.